

جایگاه توانمندسازی روستایی در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان درام شهرستان طارم)

علی روحانی - استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران
مسعود انبارلو* - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
علی یوسفی طالقانی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۸

چکیده

توانمندسازی ساکنان روستایی در افزایش درآمد و توسعه سکونتگاه‌های روستایی مؤثر است. با این وجود به دلایل مختلفی اهمیت و جایگاه توانمندسازی ساکنان روستایی مورد توجه قرار نگرفته است. بدین ترتیب می‌توان گفت در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها جایگاه توانمندسازی روستایی تشخیص داده نشده است. مقاله حاضر، جایگاه توانمندسازی ساکنان روستایی در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی دهستان درام شهرستان طارم را نشان می‌دهد. بنابراین، این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی، رویکرد کمی و تحلیل همبستگی جایگاه توانمندسازی روستایی را در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی مورد سنجش قرار داده است. جامعه آماری این تحقیق ۲۱ سکونتگاه روستایی دارای سکنه است. از کل جامعه آماری حدود ۵۰ درصد معادل ۱۰ سکونتگاه به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای تعمیم اطلاعات به دست آمده به کل جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری کوکران استفاده شد. از کل ۱۴۱۰ خانوار، حجم نمونه برابر با ۱۷۴ خانوار تصادفی است. انتخاب خانوارهای روستایی برای پرسشگری بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است. برای سنجش متغیر وابسته یا اثرپذیر سطح توسعه اجتماعی از تعداد ۲۴ شاخص استفاده شده است. بدین منظور از ضریب همبستگی کندال تاؤبی و آزمون رگرسیون چند متغیره برای سنجش رابطه و اثرگذاری بین متغیرهای پژوهش استفاده شد. در ارتباط با متغیر مستقل یا اثرگذار توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌ها تعداد ۵۶ شاخص در چارچوب ۴ معیار آموزش و اطلاع‌رسانی دانش، آگاهی و مهارت، مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری سنجیده شده است. نتایج نشان می‌دهد که سطح و جایگاه توانمندسازی مردم در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه اندک بوده است. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی‌داری بین ابعاد توانمندسازی روستایی پاسخگویان و توسعه اجتماعی روستایی وجود دارد.

واژه‌گان کلیدی: توانمندسازی، توسعه اجتماعی، ساکنان روستایی، دهستان درام شهرستان طارم

مقدمه

عمران و توسعه روستایی در چند دهه اخیر همواره یکی از دغدغه‌های اصلی توسعه در ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه بوده است. در بسیاری از کشورها، توسعه روستایی به مثابه راهبردی با اهمیت برای تأمین نیازهای اساسی و توزیع بهینه منافع ناشی از توسعه ملی تلقی شده و بدین منظور نیز با شیوه‌های متعدد، الگوهای متنوعی برای توسعه روستایی تجربه شده که عمدتاً دستاورد مطلوبی نداشته و هنوز نیز سهم جوامع روستایی جهان سوم از توسعه و پیشرفت بسیار اندک است (تعالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵). زمینه لازم برای توانمندسازی افراد کم‌درآمد و فقیر برای رسیدن به حقوق خود از طریق دستیابی و کنترل بر منابع طبیعی سازمان‌های موجود و تغییر یافته، است. همچنین، توانمندسازی فرآیندی است که در آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها بر مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، کنترل و اختیار پیدا کنند. بنابراین، هدف توانمندسازی کمک به افراد ضعیف است که تلاش نمایند مهارت‌ها و توانایی‌هایشان را برای کنترل عاقلانه بر زندگی افزایش داده و بر ضعف‌هایشان غلبه نمایند و جنبه‌های مثبت زندگی‌شان را بهبود بخشند (کیمیایی، ۱۳۹۰: ۶۲). از طرفی، اهمیت توانمندسازی برای دنیای کسب و کار به حدی است که از آن به‌عنوان رکن اساسی در فرایند اشتغال یاد می‌شود و با توجه به اینکه جامعه روستایی ایران به میزان زیادی با بیکاری (آشکار و پنهان) مواجه است، می‌توان گفت که توانمندسازی روستاییان راه‌حل سودمندی برای خروج از بیکاری است (میرزایی، ۱۳۸۹: ۶۲).

تعاریف و تفسیرهای متفاوتی از توانمندسازی ارائه شده است که بسیاری از آن‌ها با یکدیگر مشابه‌اند. به‌عنوان مثال، تعریف تور^۱ (۱۹۸۶) از توانمندسازی دقیقاً مانند تعریف راپاپورت است که وی عقیده دارد توانمندسازی به مفهوم فرایندی است که مردم طی آن به‌قدری توان یافته‌اند که در کنترل و تاثیرگذاری بر رخدادهای تعیین‌کننده در زندگی‌شان مشارکت کنند (Serayeldin, 1991).

در این چهارچوب، از آنجاکه سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه، از دیرباز با محرومیت و پایین بودن سطح توسعه یافتگی روبه‌رو بوده‌اند. اهمیت موضوع توانمندسازی روستاییان و توجه به موانع توانمندسازی روستاییان در روستاهای این ناحیه و نیز اهمیت توسعه اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان و این‌که بیشترین افراد آسیب‌پذیر و فقیر در کشورها، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، ایجاب می‌کند تا شناخت علمی و دقیق‌تری به مسأله توانمندسازی روستاییان و توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی بدست آوریم؛ زیرا، این نوع شناخت کمک شایانی به کاهش فقر و بالا بردن سطح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه مورد مطالعه می‌کند. پژوهش حاضر با سنجش متغیرهای مختلف توانمندسازی روستاییان تأثیر آن را در توسعه سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه، برای پیشبرد برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی بررسی می‌کند. براین شالوده، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که نقش توانمندسازی روستاییان در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی دهستان درام شهرستان طارم چگونه است؟ در همین راستا، رابطه توانمندسازی روستاییان را در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی بررسی می‌کند.

مبانی نظری تحقیق

برای مدت‌هایی مدید، نگرشی تک‌بعدی بر مطالعات توسعه حاکم بود و توسعه با توسعه اقتصادی مترادف در نظر گرفته می‌شد، اما با افزایش دانش بشری، رفته‌رفته، این نگرش تک‌بعدی به حاشیه رانده شد چنانکه توسعه را پدیده‌ای دارای پیچیدگی علی دانسته‌اند که برای حصول به آن می‌بایست مجموعه‌ای از علل در کنار یکدیگر قرار گیرند (رک: ریگین، ۱۳۸۸). از این دیدگاه تأکید بر متغیرهای صرفاً اقتصادی و یا سیاسی و توجه صرف به یکی از ابعاد توسعه لزوماً به توسعه و افزایش توانایی سیستم اجتماعی در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی منجر نخواهد شد و حتی در مواردی اتخاذ این

نگرش تک‌بعدی می‌تواند سیستم را در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی آسیب‌پذیرتر کند افزایش دانش بشری در زمینه ابعاد مختلف توسعه و لزوم نگرستن به آن به مثابه مجموعه‌ای علی، اندیشمندان را بر آن داشت که از توسعه اقتصادی فراتر روند و به مفاهیمی چون توسعه سیاسی، فرهنگی و ... بیندیشند و هر یک در رشته‌های تخصصی خود و از زاویه دید خود علل دخیل در توسعه جوامع را شناسایی کنند. اکنون در مقایسه با دهه‌های پیش دانش بشری پیرامون شرایط و علل بقا و زوال جوامع و سیستم‌های اجتماعی رشد قابل ملاحظه‌ای کرده و به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است که با اتخاذ رویکردی کل‌گرا، مجموعه‌ای، سیستمی و میان‌رشته‌ای ضمن شناسایی علل مختلف توسعه، اهمیت علی هر یک از این علل و میزان اثرگذاری آن بر رشد و توسعه جوامع را شناسایی نماییم.

استس^۱ با تأکید بر دو بعد اقتصاد و آزادی، توسعه‌ی اجتماعی را حوزه‌ای میان‌رشته‌ای و میان‌بخشی دانسته است که در جستجوی بهبود رفاه^۲ مادی و اجتماعی مردم در همه‌ی سطوح جامعه است. این تعریف به‌طور ضمنی بیان‌کننده‌ی دو نکته است: اول، تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی از راه تأمین آن نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که با رشته انتخاب‌هایی که مردم می‌توانند داشته باشند اندازه‌گیری می‌شود. به‌زعم استس، اهداف توسعه‌ی اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حد ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند (استس، ۲۰۰۱) به نقل از فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹). ورود مفهوم سرمایه اجتماعی به تعاریف ارائه‌شده از توسعه‌ی اجتماعی علاوه بر گسترش ابعاد آن یکی از مهم‌ترین شرایط دست‌یابی به توسعه اجتماعی را مورد تأکید قرار داده است. صاحب‌نظر برجسته‌ی اقتصادی، جوزف استیگلیتز^۳ با تأکید بر این بعد، توسعه‌ی اجتماعی را توانایی هر جامعه برای حل صلح‌آمیز تضادها و پیوند منابع و علایق مشترک، به هنگام اختلاف منافع دانسته است؛ وی بر سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد در تسهیل معامله‌ی متقابل به‌عنوان عناصر مهم توسعه اجتماعی تأکید دارد (استیگلیتز، ۲۰۰۲). سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی فعال در حوزه‌ای توسعه نیز تعاریف خاص خود را از این مفهوم ارائه کرده‌اند که بر مبنای این تعاریف، گزارش‌های سالیانه خود را تهیه می‌کنند. در این زمینه بانک جهانی در تعریف توسعه اجتماعی بر دگرگونی ساختاری درزمینه‌ی افزایش انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران و سازمان‌های صاحب قدرت تأکید کرده است (بانک جهانی، ۲۰۰۲). این امر مستلزم آن است که به هنگام طراحی و راهبردهای توسعه، اطلاعات لازم و کافی درباره‌ی پویایی‌شناسی قدرت، دستگاه فرهنگی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه و همچنین ساختارهای رسمی و غیررسمی اجتماعی در اختیار داشته باشیم. برخی ابعاد دیگر در تعاریف خاص ارائه‌شده از توسعه‌ی اجتماعی بر ابعادی چون امکان کسب شغل، کارآفرینی و کاهش تبعیض‌های مختلف (سازمان ملل متحد: ۲۰۰۲)، ارتقای رفاه مردم در کنار فرآیندهای پویایی توسعه‌ی اقتصادی (بانک جهانی، ۲۰۰۵)، و پاسخ‌گویی بهتر، دسترسی مساوی‌تر و مناسب‌تر (بانک جهانی، ۲۰۰۵)، تأکید کرده‌اند. با در نظر داشتن تعاریف خاص ارائه‌شده در زمینه توسعه اجتماعی که به بخشی از آن‌ها اشاره شد؛ می‌توان ابعاد مفهوم توسعه‌ی اجتماعی را به‌صورت زیر برشمرد: الف) توجه و تأکید بر شاخص‌های مختلف اجتماعی از قبیل اعتماد، ادغام و انسجام اجتماعی که می‌توان آن‌ها را ذیل مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی قرارداد؛ ب) توجه و تأکید بر عوامل و پیامدهای زیست‌محیطی؛ ج) توجه به آزادی‌های فردی و اجتماعی، رفع تبعیضات جنسی و امنیت در پدید آوردن زمینه‌ای باثبات برای توسعه؛ د) توجه به شاخص‌های اقتصادی؛ ه) در نظر داشتن اهدافی چون، پاسخگو کردن کارگزاران، امکانات و سازمان‌های صاحب قدرت؛ و- ارزیابی پیامدها و دستاوردهای توسعه برحسب تأمین نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها؛ ز) مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه‌ای غالباً با عاملیت سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های جامعه مدنی و سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات محلی با توجه به موارد فوق بد نظر می‌رسد سازه‌ی توسعه‌ای اجتماعی دارای ابعاد

1. Richard J. Estes
2. Well-Being
3. Joseph Stiglitz

متنوعی است که هر یک از تعاریف خاص ارائه شده از این مفهوم به تنهایی، توانایی پوشش تمامی این ابعاد را ندارد و از این رو نیازمند ارائه تعریفی عام از توسعه‌ای اجتماعی هستیم.

توسعه‌ای اجتماعی عبارت است از افزایش توانایی جوامع انسانی برای مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی که به مسئله‌ی بقای جوامع ارتباط می‌یابد. با توجه به عدم توانایی علم برای شناسایی تمامی ابعاد زندگی اجتماعی که با بقاء و زوال یک جامعه ارتباط می‌یابد، مفهوم توسعه‌ای اجتماعی مفهومی سیال است و با گسترش دانش بشری پیرامون مخاطراتی که بقای جوامع انسانی را تهدید می‌کنند این مفهوم ابعاد گسترده‌تری می‌یابد. از این منظر جوامعی از نظر میزان توسعه‌ای اجتماعی در سطوح بالاتری قرار دارند که در مقایسه با سایر جوامع از نظر مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی عملکردها و واکنش‌های بهتری دارند و در نتیجه احتمال بقای خود را در مقایسه با سایر جوامع افزایش داده‌اند. به نظر می‌رسد این تعریف از جهاتی از مزیت‌هایی در مقایسه با سایر تعاریف ارائه شده برخوردار است. نخست اینکه با مبتنی کردن مفهوم توسعه‌ای اجتماعی بر یک نیاز بنیادین و مشترک در میان انسان‌ها و جوامع انسانی، تا حدود بسیاری از نگرش‌های ارزشی که در بعضی موارد بر سایر تعاریف ارائه شده به شدت حاکم است و از این رو تعمیم آن‌ها به جوامع مختلف را با مشکل مواجه می‌کند دوری می‌نماید. در ثانی با در نظر داشتن پیچیدگی‌های محیطی کلیه‌ی ابعادی که در تمامی تعاریف خاص ارائه شده از توسعه‌ای اجتماعی ذکر شده است در برمی‌گیرد (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲).

رویکرد توانمندی انسانی را که نخستین بار آمارتیا سن، برنده جایزه‌ی نوبل اقتصاد سال ۱۹۹۸ مطرح کرد، بیانگر آن است که رفاه فردی و ترتیبات اجتماعی بر این اصل استوار است که مردمان چه می‌خواهند و چه می‌توانند بکنند. در این دیدگاه در ارزیابی رفاه فردی، نگاه از مطلوبیت، منابع و درآمد، به سوی کارکردها می‌چرخد. کارکردها بر کار انسان‌ها و خواسته‌ها و مواردی چون برخورداری از تندرستی، امکان مشارکت اجتماعی، داشتن مسکن و... استوار است. کارکردها فراتر از جنبه مادی رفاه است و می‌تواند بالفعل یا بالقوه (توانمندی‌ها) باشد. در تعریفی دیگر، توانمندسازی شامل اعطای قدرت، مسئولیت و اختیارات بیشتر به کارکنان و مدیران جهت تصمیم‌گیری، انجام برخی فعالیت‌ها و کنترل بیشتر بر مشاغلشان است (ضیایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۲). رویکرد توانمندی انسانی که تکیه‌گاه اصلی آن رشد و ایجاد توانمندی‌های انسانی است، رویکردی است که می‌تواند با پیوند دادن رشد گرایشی و باز توزیع، هدف‌های چندگانه‌ی توسعه را در فرایندی دوستانه محقق سازد. اما عوامل مؤثر بر توانمندسازی از دیدگاه‌های متفاوتی دسته‌بندی شده‌اند. یکی از دیدگاه‌های معروف، دیدگاه اسپریتزر چرچن (۱۹۹۲) است. به باور وی عوامل اصلی مؤثر بر توانمندسازی عبارت‌اند از:

عوامل فردی: تحصیلات، سابقه کار، جنسیت، نژاد، کانون کنترل درونی، عزت نفس؛

عوامل گروهی: اثربخشی گروه، اهمیت گروه، اعتماد درون گروهی، ادراک افراد گروه نسبت به تأثیرشان بر مدیران؛

عوامل سازمانی: ابهام در نقش، دسترسی به منابع، حیطه کنترل، دسترسی به اطلاعات، حمایت اجتماعی سیاسی، جایگاه فرد در سلسله‌مراتب سازمانی، جو مشارکتی واحد کار (ضیایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۲).

از نظر ویلیام (۱۹۹۱) چندین عامل برای تسهیل توانمندسازی روستاییان بر شمرده شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. ارزیابی مثبت از خود، ۲. تمایل برای توانمند شدن، ۳. آگاهی از توانایی‌های بالقوه خود، ۴. کسب اعتماد به نفس، ۵. کسب انگیزه، علاقه و اشتیاق و ۶. شناخت عواطف و احساسات شخصی و کسب قدرت کنترل و هدایت آن‌ها (فاضل بیگی و یآوری، ۱۳۸۸: ۴۸ به نقل از مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۱).

توانمندسازی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه و از عناصر اصلی بازنگری در مفهوم آن است. توانمندسازی به معنای ایجاد قدرت قانونی، یا به سخن دیگر، سرمایه‌گذاری به منظور تقویت قدرت قانونی، برای تواناسازی و تفویض اختیار به مردم است. دلالت مستقیم توانمندسازی مقابله با عوامل بی‌قدرتی است. بی‌قدرتی نه تنها به ایجاد فقر منجر می‌شود، بلکه محصول اصلی و مستقیم آن است. جلوه‌های اصلی بی‌قدرتی عبارت‌اند از:

- نداشتن قدرت اقتصادی که همان فقر مادی است.

- نداشتن قدرت تصمیم‌گیری که به معنای فقر سیاسی و معنوی است.
 - نداشتن قدرت انتخاب که به معنای فقر فرهنگی و ناآگاهی است (چمبرز، ۱۳۷۵ نقل شده از صالحی، ۱۳۹۱: ۵۰).
 توانمندسازی فرایند عمل (اقدام) اجتماعی است که مشارکت مردم، سازمان‌ها و جوامع را در دستیابی به اهداف خود ارتقا می‌دهد. با این نگاه توانمندسازی به معنای قدرتمند شدن یا به عبارتی به قدرت دست یافتن جهت تسلط بر دیگران نیست، بلکه بیشتر قدرتی است که با دیگران جهت تغییر مؤثر و اثربخش تشریک‌مساعی می‌کند. در این راستا توماس اسلیتر از توانمندسازی تعریف زیر را ارائه کرده است: توانمندسازی یعنی فرایند گسترش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود برای مشارکت روستاییان در نهادها و سازمان‌هایی که در زندگی جوامع روستایی تأثیر دارند. نتیجه آن که توانمندسازی یعنی فرایند افزایش قدرت چانه‌زنی مردم با مؤسسات و سازمان‌های دولتی که عملکرد آن‌ها بر زندگی مردم تأثیر دارد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

درواقع توانمندسازی به‌عنوان ظرفیتی برای خوداتکایی و اعتمادبه‌نفس در مقابل وابستگی است. این فرایندی است که از طریق آن اشخاص، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های به حاشیه رانده‌شده، می‌توانند سازمان خود را تقویت کنند و خودشان را از تسلط ایجادشده توسط ساختارها یا روابط، آزاد کنند (Sharma & Kirkman, 2015:199).

در ادبیات توسعه، مفهوم توانمندسازی به‌منظور مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی از دو جنبه و رویکرد بررسی شده است: الف) رویکرد انگیزشی توانمندسازی؛ در این رویکرد، هدف تواناسازی و تقویت خودباوری است ب) رویکرد شناختی توانمندسازی؛ این رویکرد، توانمندسازی را به‌طور وسیع‌تر به‌مثابه یک حالت انگیزش درونی در ارتباط با شغل تعریف می‌کند که شامل پنج احساس درونی است:

۱. معنی‌دار بودن: یعنی این که فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد با معنی و ارزشمند تلقی کند.
۲. شایستگی: شایستگی یا خودباوری، اعتقاد فرد به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کار است.
۳. تأثیر: عبارت از حدی که در آن فرد توانایی نفوذ در پیامدهای کار خود را دارا است.
۴. خود تعیینی: یا حق انتخاب یک احساس فردی در مورد حق انتخاب برای تنظیم فعالیت‌هاست. درحالی که شایستگی یک مهارت رفتاری است همچنین، به آزادی عمل شاغل در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف شغلی اطلاق می‌گردد.

۵. اعتماد: درنهایت اعتماد به معنی آن است که افراد احساس کنند که با آن‌ها منصفانه و یکسان برخورد خواهد شد (Fernandez & Moldogaziev, 2015: 376-377).

بر مبنای دیدگاه صاحب‌نظران توسعه، مفهوم توانمندسازی با مفهوم ظرفیت‌سازی ارتباط نزدیکی دارد. ظرفیت‌سازی، فرآیندی دائمی، قابل‌انعطاف، تأثیرپذیر و پاسخگو است که تمام بازیگران را شامل می‌شود. ظرفیت‌سازی بخشی از یک مفهوم چند سویه است که معانی متفاوتی را نظیر قادرسازی، مشارکت، حمایت، تمرکززدایی و خصوصی‌سازی را مطرح می‌کند. تعریف هریک از این مفاهیم از دیدگاه ظرفیت‌سازی به‌عنوان یک فرایند یا الگو و تلاش برای نزدیک شدن به یک تعریف از این مفهوم، نظر را معطوف به مسئله قدرت و انتقال قدرت می‌کند. بدیهی است پیش از هرگونه اقدام جهت ارائه تعریف عملی باید درکی از شرایط ذهنی والگوی مواجه دولت و نیز دولت محلی با مفهوم انتقال قدرت به دست آورد. برای نیل به اثرات مثبت ظرفیت‌سازی باید هر سه جنبه توسعه منابع انسانی، توسعه نهادی و توسعه سازمانی را مدنظر قرارداد (Amundsen & Martinsen, 2015: 308).

بنابراین توانمندسازی عبارت است از کسب قابلیت‌هایی که طی آن فرد و جامعه توانایی کنترل یا تأثیرگذاری بر نیروهای تعیین‌کننده حیات خود را به دست می‌آورند. ابعاد مختلفی برای توانمندسازی ذکر شده است که می‌توان آن‌ها را در شش بعد به این شکل خلاصه کرد: اقتصادی، سیاسی، روانی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی. در جامعه روستایی، ابعادی چون توانمندی اقتصادی و اجتماعی و روانی بیشتر از ابعاد دیگر اهمیت دارند. عوامل مختلفی در فرایند توانمندسازی دخالت

دارند، که در این میان قابلیت‌ها و ویژگی‌های زمینه‌ای افراد، دارای نقش اهمیت خاصی است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۵). در زمینه جایگاه توانمندسازی در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی مطالعات متعددی صورت گرفته است. در زیر به چند مورد از مهم‌ترین پژوهش‌هایی صورت گرفته اشاره می‌شود:

ریورا و کارنینگ در پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان از راه ترویج کشاورزی: یک دیدگاه جهانی، به این نتیجه رسیدند که ترویج نقش مهمی در توانمندسازی زنان و در نتیجه توسعه پایدار روستایی دارد (Rivera & Corning, 1990). همچنین مطیعی لنگرودی و همکاران در پژوهشی تحت عنوان تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی که در بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر صورت گرفت نتایجی به شرح ذیل دریافت کردند: در این پژوهش شرایطی که شایستگی لازم را در افراد برای تصمیم به ایجاد یا توسعه کسب‌وکار به وجود می‌آورد، در دو گروه فردی و محیطی با چهارده متغیر تعریف شده‌اند. از بررسی مربوط به گروه کارآفرینان تعداد ده عامل مؤثر بر افزایش توانمندی روستاییان برای توسعه کارآفرینی شناسایی شدند. این عوامل به ترتیب اولویت در تأثیر عبارت‌اند از: عامل پشتکار، عامل سازمانی، مالی و اقتصادی، آموزش و الگوی نقش، استقلال فردی، تجربه‌های قبلی، خلاقیت، احساس موفقیت و عامل مرکز کنترل درونی. در نتیجه می‌توان گفت وجود عوامل فردی و محیطی یادشده در افزایش توانمندی روستاییان برای ایجاد و توسعه کسب‌وکار تأثیر دارد. عوامل مؤثر از منظر گروه کنترل در این تحقیق عبارت‌اند از: عامل سازمانی، عامل منابع مالی و اقتصادی، عامل مهارت و دانش، عامل خانواده، عامل عزت‌نفس، عامل مشارکت اجتماعی و عامل زیرساختی (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹).

در پژوهش دیگری که با عنوان " خلاصه مدیریتی: ارزیابی فعالیت‌های کارآفرینانه در ایران بر اساس مدل منتشر شده است، دو عامل از عوامل سه‌گانه لینشتاین را در بر می‌گیرد. اول مجموعه‌ای از افراد که با تغییر وضع "GEM" موجود به وضع مطلوب و ظرفیت‌های تکمیل‌کننده درون داد عمل می‌کنند که در این مدل از آن‌ها با نام قابلیت‌ها یاد می‌شود تا حدی که در آن کارآفرینان توانمند به وضعیت‌های متفاوت انگیزشی پاسخ می‌دهند، به‌خصوص جایی که فعالیت‌های غیر سنتی مطرح است و به‌عنوان گرایش در نظر گرفته شده است. وضعیت کارآفرینی ایران در دو دوره ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ مورد بررسی و مقایسه با خود و دیگر کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی قرار گرفته است. ایران در برخی از عوامل مهم مانند حمایت‌های اقتصادی و سازمانی دچار افت شده و براین اساس مرتبه خوبی را در بین اعضا به دست نیاورده است (یدالهی و دیگران، ۱۳۸۹ به نقل از مطیعی و همکاران، ۱۳۹۱).

مطالعات کارل در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که نبود دانش، آگاهی و راهبرد در طرح‌های ظرفیت‌سازی و توانمندسازی، مانع توسعه روستایی است و از این منظر ظرفیت‌سازی و توانمندسازی برای فعالان و کنشگران در عرصه کشاورزی و توسعه، یک انتخاب راهبردی است که می‌تواند گذار موفقیت‌آمیز توسعه کشاورزی و روستایی را به ارمغان بیاورد. در واقع فرجام ظرفیت‌سازی و توانمندسازی، رسیدن به توسعه روستایی و کشاورزی پایدار و توسعه‌گراست. هزینه توانمندسازی در مناطق روستایی، در آموزش شایسته کشاورزان و کارکنان درگیر در بخش کشاورزی نهفته است (Karl, 2007). یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که توانمندسازی علاوه بر اینکه انگیزش و رضایت شغلی را برای کشاورزان به ارمغان می‌آورد، به ارتقای دانش آن‌ها نیز منجر می‌شود. کشاورزان در سایه دانش به‌خوبی از عهده کار و وظایفشان برمی‌آیند و به دنبال آن اعتماد به نفس بیشتری کسب می‌کنند (افتخاری، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

گونبر^۱، مک فارلند^۲ و آسوکان^۳ (۱۳۸۷) نیز با معادل قرار دادن مفهوم توسعه و توسعه اجتماعی آن را عزیمت همه‌جانبه نظری - عملی و رو به کمال جامعه از سطوح پایین به، سطوح بالای توانایی، کارآمدی، کیفیت، بهره‌وری، پیچیدگی،

1. Gomberg
2. Mcfarland
3. Asokan

درک، خلاقیت، مهارت لذت و فضیلت دانسته‌اند. جونز و پند (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان توسعه اجتماعی از طریق دگرگونی نهادی و با در نظر داشتن تعریفی عام از توسعه اجتماعی این تعریف را ارائه داده‌اند: توسعه اجتماعی تلفیقی از سازمان‌دهی اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی اجتماعی است. اما چیزی بیش از تجمیع ساده این دو حوزه است. توسعه اجتماعی، استراتژی سیاسی، توسعه اقتصادی، حمایت اجتماعی، تحلیل برنامه‌ریزی، دولت، و پژوهش ارزشیابی را شامل می‌شود و آن‌ها را در کنار هم می‌خواهد. آزاد و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی، با اتخاذ رویکردی که می‌توان آن را نوعی رویکرد عام به مفهوم توسعه اجتماعی دانست؛ این نوع از توسعه را بیان‌کننده کیفیت سیستم اجتماعی دانسته و آن را به پنج بعد همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و اخلاق توسعه اجتماعی تقسیم نموده‌اند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲).

روش پژوهش

بر اساس پارادایم و معرفت علمی تحقیق، روش کمی برای سنجش متغیرهای موردبررسی انتخاب گردید. در این میان از روش پیمایش اجتماعی استفاده می‌شود. این روش برای بررسی مسائل اجتماعی مناسب است. در این روش محقق بر این باور است که برای یافتن راه‌حل مسئله موردبررسی تحقیق، باید داده‌هایی گردآوری کرد و سپس آن‌ها را موردبررسی قرار داد. در این مسیر داده‌ها از زمان حال جمع‌آوری می‌شود تا شناخت کاملی از شرایط وضعیت حال در رابطه با موضوع مورد بررسی تحقیق به دست آید (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۹۴). ابزاری که در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت، پرسش‌نامه می‌باشد.

برای تبیین دقیق سؤال و فرضیه پژوهش، تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و به‌صورت بررسی کمی و میدانی به مطالعه جایگاه توانمندسازی روستاییان در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی در دهستان درام شهرستان طارم پرداخته است. جامعه آماری در این تحقیق ۲۱ سکونتگاه روستایی دارای سکنه در ناحیه مورد مطالعه است. از کل جامعه آماری با توجه به ویژگی اجتماعی و اقتصادی خاص روستاهای ناحیه مورد مطالعه حدود ۵۰ درصد معادل ۱۰ سکونتگاه به‌صورت تصادفی و با توجه به شاخص‌های موقعیتی کوهپایه‌ای، دشتی و کوهستانی انتخاب شدند. برای تعمیم اطلاعات به‌دست‌آمده به کل جامعه آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران (سرای، ۱۳۹۰، ۱۳۶-۱۳۷). از کل ۱۴۱۰ خانوار، حجم نمونه با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، و پیش برآورد واریانس ۲۵/۰ درصد برابر با ۱۷۴ خانوار تصادفی است. با توجه به این که ناحیه مورد مطالعه از نظر ویژگی جغرافیایی ناهمگن است، انتخاب خانوارهای روستایی برای پرسشگری بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است (Kothari, 2009: 34). انتخاب و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش با توجه به ادبیات موضوع صورت گرفت. به‌طوری‌که مؤلفه اثرگذار (توانمندسازی روستاییان) در توسعه سکونتگاه‌های روستایی با تعداد ۶ مؤلفه و ۵۶ شاخص سنجیده شد (جدول ۱).

جدول ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش توانمندسازی روستاییان

مؤلفه	شاخص
آموزش و اطلاع‌رسانی	۱. میزان آموزش‌های ارائه‌شده. ۲. میزان موفقیت دوره‌های آموزشی. ۳. میزان دسترسی به فرصت‌های آموزشی. ۴. میزان اطلاع‌رسانی برای ارائه برنامه‌های آموزشی. ۵. میزان مهارت‌های به‌دست‌آمده از آموزش‌های ارائه‌شده برای مشارکت. ۶. ارتباط آموزش با فعالیت‌های محلی. ۷. میزان مراجعه به کانون‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی. ۸. اندازه اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها بر اعتماد و انسجام اجتماعی. ۹. اندازه اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها بر مشارکت ساکنان در کارهای جمعی و گروهی. ۱۰. اندازه اثرگذاری آموزش‌های ارائه‌شده، برای توانمند کردن ساکنان روستا و مشارکت آن‌ها در تشکل‌ها. ۱۱. اندازه اثرگذاری آموزش‌های ارائه‌شده در ارتقاء مشارکت ساکنان روستا در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی
دانش، آگاهی و مهارت	۱. میزان آگاهی و شناخت شما و ساکنان روستا از نهاد‌های محلی. ۲. میزان آگاهی و شناخت ساکنان روستا از تشکل‌های مردمی. ۳. میزان آگاهی و توانایی ساکنان روستا برای روبرو شدن با مسائل مختلف روستا. ۴. اندازه اطلاعات ارائه‌شده به خانوار روستایی در زمینه مسائل اجتماعی - اقتصادی روستا. ۵. میزان مهارت اعضای خانوار در ارتباط با حضور مؤثر در فعالیت‌های مختلف. ۶. میزان آگاهی از وضعیت سرمایه‌گذاری و توزیع اعتبارات. ۷. میزان آگاهی از تصمیم‌گیری‌ها در زمینه فعالیت اجتماعی. ۸. میزان آگاهی از تصمیم‌گیری‌ها در زمینه فعالیت اقتصادی. ۹. میزان آگاهی از تصمیم‌گیری‌ها در زمینه فعالیت‌های عمرانی. ۱۰. میزان مهارت و مشارکت اعضای خانوار در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی و عمرانی روستا. ۱۱. میزان مهارت و مشارکت ساکنان روستا در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی و عمرانی روستا. ۱۲. میزان مهارت برای ایجاد تشکل‌های اجتماعی مردم‌نهاد. ۱۳. میزان مهارت برای ایجاد تشکل‌های اقتصادی مردم‌نهاد. ۱۴. میزان اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها (مهارت) در بهره‌وری عوامل تولید. ۱۵. میزان اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها (مهارت) در مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها. ۱۶. میزان اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها (مهارت) در ایجاد اندیشه‌های خلاقانه
مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی	۱. میزان همکاری مردم محلی با یکدیگر در فعالیت‌های کشاورزی. ۲. میزان همکاری مردم محلی با یکدیگر در فعالیت‌های غیر کشاورزی. ۳. میزان همکاری مردم با مسئولان جهاد کشاورزی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی غیر کشاورزی. ۴. میزان همکاری مردم با مسئولان جهاد کشاورزی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی غیر کشاورزی. ۵. میزان توجه ساکنان روستا به بازار مصرف نوع محصولات کشاورزی. ۶. میزان تعامل مثبت ساکنان روستا برای قرض دادن پول به یکدیگر. ۷. میزان سرمایه‌گذاری ساکنان روستایی در صندوق‌های اعتباری. ۸. میزان تعامل با مروجان و کارشناسان در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی. ۹. میزان تعامل و همکاری ساکنان روستا برای بهبود الگو و تناسب کشت. ۱۰. میزان تعامل و همکاری مردم برای بازار رسانی و فروش محصولات تولیدی. ۱۱. میزان تعامل و همکاری خانوارهای روستایی در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی. ۱۲. میزان همکاری ساکنان روستا برای بهبود روش‌های تولید کشاورزی. ۱۳. میزان همکاری ساکنان روستا برای بهبود روش‌های تولید غیر کشاورزی. ۱۴. میزان آگاهی، توانایی و همکاری ساکنان روستا در افزایش بهره‌وری تولید. ۱۵. میزان استفاده خانوار شما از وام و تسهیلات بانکی برای فعالیت‌های اقتصادی. ۱۶. میزان استفاده ساکنان روستا از وام و تسهیلات بانکی برای فعالیت‌های اقتصادی
سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری	۱. میزان توجه و نظارت ساکنان روستا در اجرای برنامه‌های توسعه. ۲. میزان پذیرش مسئولیت ساکنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی. ۳. میزان پذیرش مسئولیت ساکنان در زمینه فعالیت‌های عمرانی و عمومی. ۴. میزان تفویض اختیار به مسئولان محلی. ۵. میزان پابندی مدیران در مشارکت دادن ساکنان روستا و مسئولان سطوح محلی برای اجرای تصمیمات. ۶. میزان توجه مدیران به اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مسئولان. ۷. میزان مشارکت ساکنان روستا در برنامه‌های توسعه عمرانی. ۸. میزان برخورداری تشکل‌های مردمی از منابع اجتماعی - اقتصادی. ۹. میزان استقلال تشکل‌های محلی و تولیدی. ۱۰. میزان توجه به منافع تمامی ذینفعان روستا. ۱۱. میزان توجه و اعتماد به تصمیم‌گیری‌های ساکنان روستا. ۱۲. میزان همکاری و صمیمیت بین نهادهای تصمیم‌گیر. ۱۳. میزان فعالیت نهادهای مردمی

منبع: نگارندگان، بر اساس واکاوی ادبیات تحقیق

برای سنجش مؤلفه اثرپذیر سطح توسعه اجتماعی نیز از تعداد ۲۴ گویه استفاده شد (جدول ۲).

جدول ۲. ابعاد و شاخص‌های توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی

بعد	شاخص‌ها
اجتماعی	۱. میزان افزایش تعداد جمعیت روستا. ۲. میزان ماندگاری جمعیت روستا. ۳. افزایش تعداد باسوادان مرد در روستا. ۴. افزایش تعداد باسوادان زن در روستا. ۵. افزایش سطح تحصیلات مردان. ۶. افزایش سطح تحصیلات زنان. ۷. افزایش میزان آگاهی ساکنان روستا در زمینه مسائل اجتماعی. ۸. افزایش میزان آگاهی ساکنان روستا در زمینه مسائل اقتصادی. ۹. افزایش میزان مهارت. ۱۰. افزایش تنوع مهارت. ۱۱. افزایش آموزش ساکنان روستا در زمینه مهارت‌های اقتصادی. ۱۲. افزایش میزان تواناسازی ساکنان روستا در زمینه مشارکت در مسائل اجتماعی. ۱۳. بهبود برخورداری ساکنان روستا از حمایت‌های بیمه‌ای. ۱۴. افزایش انسجام اجتماعی. ۱۵. افزایش میزان اعتماد مردم به یکدیگر. ۱۶. افزایش تعداد تشکل‌های مردمی. ۱۷. افزایش میزان مشارکت و همکاری ساکنان روستا. ۱۸. میزان جمعیت بیکار نسبت به گذشته. ۱۹. میزان افزایش تعداد نهادهای مردمی. ۲۰. میزان افزایش مشارکت در انتخابات محلی. ۲۱. میزان بهبود و ارتقای توان لازم برای انجام وظایف و مسئولیت‌های محلی. ۲۲. میزان افزایش توانمندی و مشارکت ساکنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی. ۲۳. میزان افزایش توانمندی و مشارکت ساکنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی. ۲۴. میزان افزایش توانمندی و مشارکت ساکنان در فعالیت‌های عمرانی

منبع: نگارندگان، بر اساس واکاوی ادبیات تحقیق

برای سنجش روایی صوری (اعتبار) ابزار پژوهش، با استفاده از روایی صوری، مبتنی بر نظرات خبرگان امر مورد تایید قرار گرفت (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱۳۲). و پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تعیین و تایید شد (جدول ۳).

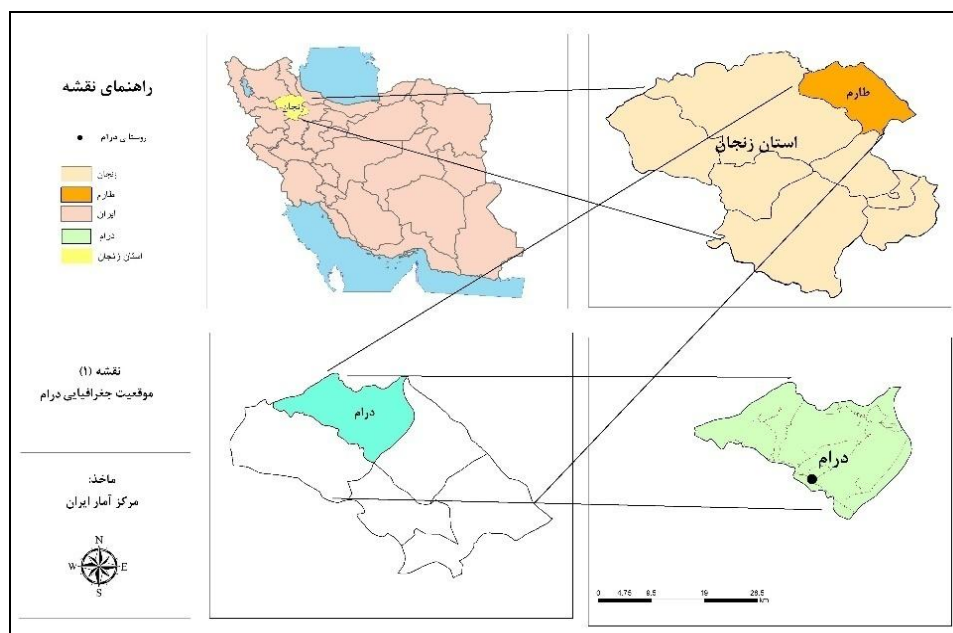
جدول ۳. مقدار ضریب آلفای کرونباخ در راستای تعیین پایایی ابزار پژوهش

توانمندسازی روستاییان			توسعه سکونتگاه	مفهوم
سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری	مشارکت اقتصادی	دانش، آگاهی و مهارت	اجتماعی	بعد/ مؤلفه
۰/۷۰	۰/۷۱	۰/۷۳	۰/۷۳	مقدار آلفا

برای تبیین و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی برای تعیین ارتباط بین مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر تحقیق از ضرایب همبستگی کندانل تائوبی استفاده شد. به‌منظور تعیین ارتباط کل متغیرهای مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر، با جایگاه توانمندسازی روستاییان بر توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی، از رگرسیون چند متغیره استفاده شد (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۸۱). نرم‌افزار اصلی مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها SPSS22 بوده است.

محدوده مورد مطالعه

دهستان درام یکی از دهستان‌های پنج‌گانه شهرستان طارم در استان زنجان است. این دهستان در غرب شهرستان طارم واقع است. دهستان درام دارای ۲۱ روستای دارای سکنه است. روستای درام مرکز دهستان درام بوده و نقش میانی برای خدمات‌رسانی به روستاهای اطراف خود دارد. این دهستان بر اساس سرشماری سال ۹۰ دارای ۱۴۱۰ خانوار و جمعیتی بالغ بر ۴۶۷۴ نفر دارد. استان گیلان همسایه شمالی و استان اردبیل همسایه غربی آن است. از جنوب نیز با شهرستان زنجان هم‌مرز است. این دهستان به‌عنوان تولیدکننده برنج در شهرستان طارم معروفیت خاصی دارد (سازمان مدیریت برنامه‌ریزی زنجان، ۱۳۹۵: ۲۰) (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه (منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی زنجان، ۱۳۹۵: ۲۰)

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

در این بخش به توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی و همچنین توزیع پاسخ‌ها درباره متغیر مستقل (آموزش و اطلاع‌رسانی؛ دانش، آگاهی و مهارت؛ مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی؛ و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری) و وابسته (توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی) پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش، نشان داد که میزان ۷۵/۳ درصد پاسخ‌گویان بین ۱۸ تا ۲۹ سال، حدود ۱۵/۵ درصد بین ۳۰ تا ۳۹ سال، معادل ۹/۲ درصد بین ۴۰ تا ۵۹ سال دارند. از کل پاسخ‌گویان، میزان ۶۰ درصد مرد و معادل ۴۰ درصد زن هستند. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان ۶/۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، میزان ۲/۹ درصد تحصیلات راهنمایی، میزان ۵۴/۶ درصد تحصیلات متوسطه، معادل ۱۶/۷ درصد دیپلم، میزان ۳/۴ درصد فوق‌دیپلم و حدود ۱۵/۵ درصد تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند که نشان می‌دهد سطح سواد در ناحیه مورد مطالعه در سطح متوسط به بالایی قرار دارد.

توزیع فراوانی متغیر مستقل که دارای چهار شاخص بوده به شرح زیر است. توزیع فراوانی شاخص آموزش و اطلاع‌رسانی که با میانگین ۱۱ گویه مورد سنجش قرار گرفت، نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان به میزان متوسط به پایینی (حدود ۳۴/۵ درصد به‌طور متوسط، ۴۷/۱ درصد کم و خیلی کم و ۱۸/۴ درصد زیاد و خیلی زیاد) آموزش‌های لازم و اطلاع‌رسانی‌ها را دریافت کرده‌اند. همچنین توزیع فراوانی شاخص دانش، آگاهی و مهارت نیز که با میانگین ۱۶ گویه مورد سنجش قرار گرفت، نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان به میزان نسبتاً پایینی (حدود ۵۴/۶ درصد به‌طور کمی) دانش و مهارت و آگاهی لازم را کسب کرده‌اند. در واقع توزیع فراوانی این شاخص نشان می‌دهد که دانش، آگاهی و مهارت روستاییان پایین بوده است. توزیع فراوانی شاخص مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی نیز که با میانگین ۱۶ گویه مورد سنجش قرار گرفت، نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان به میزان متوسط به بالایی (حدود ۲۴/۷ درصد به‌طور کم و بسیار کمی و ۲۸/۷ درصد متوسط و ۴۶/۶ درصد زیاد و بسیار زیادی) مشارکت و همکاری اقتصادی اجتماعی را دارا می‌باشند. در واقع توزیع فراوانی این شاخص نشان می‌دهد که مشارکت و همکاری اقتصادی اجتماعی روستاییان تقریباً بالا بوده و می‌توان از این مشارکت تقریباً بالا در توانمندسازی ساکنان روستایی بهره لازم را برد. آخرین شاخص مورد مطالعه متغیر وابسته سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها است.

توزیع فراوانی این شاخص نیز که با میانگین ۱۳ گویه مورد سنجش قرار گرفت، نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان به میزان متوسط به پایینی (حدود ۴۳/۱ درصد به‌طور کم و بسیار کمی و ۴۲ درصد متوسط و ۱۴/۹ درصد زیاد و بسیار زیادی) در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌کنند. در واقع توزیع فراوانی این شاخص نشان می‌دهد که مشارکت روستاییان در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نسبتاً پایین بوده است. در واقع آنجایی که در شاخص مشارکت و همکاری اقتصادی اجتماعی که روستاییان تمایل تقریباً بالایی داشتند اما از آن تمایل مردم در جهت تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها استفاده لازم برده نشده است. توزیع فراوانی متغیر وابسته (توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی) که با میانگین ۲۴ گویه مورد سنجش قرار گرفت، نشان می‌دهد سطح توسعه اجتماعی در سطح متوسط به بالایی قرار دارد.

یافته‌های تحلیلی

ارزیابی تأثیرات توانمندسازی روستاییان با سطح توسعه اجتماعی سکونتگاه‌ها

مؤلفه توانمندسازی روستاییان مطابق جدول (۱) از طریق ۴ مؤلفه و گویه‌های مربوط به آن ارزیابی شده و سطح توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی مطابق جدول (۲) سنجیده شده است. به گونه‌ای که نما گرهای ابعاد اثرگذار و اثرپذیر

به صورت رتبه‌ای (طیفی لیکرت از مقدار ۱ خیلی کم تا مقدار ۵ خیلی زیاد) از ترکیب میانگین پاسخ‌های ساکنان روستایی نمونه تصادفی حاصل شد. به منظور تحلیل رابطه بین ۴ مؤلفه توانمندسازی روستاییان در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه، از ضریب همبستگی کندال تائوبی^۱ استفاده شد. مطابق یافته‌ها، تمامی مؤلفه‌های توانمندسازی روستاییان با سطح آلفا ۰/۰۱ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد دارای ارتباط مثبت و معناداری ($\text{sig}=0/000$) با توسعه اجتماعی روستایی بودند (جدول ۴).

جدول ۴. رابطه بین مؤلفه‌های توانمندسازی روستاییان با توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی

وجود رابطه	Kendall's tau_b test		مؤلفه اثرپذیر	مؤلفه توانمندسازی روستاییان	ردیف
	Sig.	r			
** دارد	۰/۰۰۰	۰/۲۳۷	توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی	آموزش و اطلاع‌رسانی	۱
** دارد	۰/۰۰۰	۰/۳۹۸		دانش، آگاهی و مهارت	۳
** دارد	۰/۰۰۰	۰/۵۲۵		مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی	۴
** دارد	۰/۰۰۰	۰/۴۸۴		سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها	۶

ارزیابی نهایی تأثیرات تسهیل‌کننده‌های مشارکت روستاییان در توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌ها

جدول (۵) معادله‌ی رگرسیونی مربوط به تحلیل اثرگذاری متغیرهای مستقل جهت پیش‌بینی متغیر وابسته (توسعه اجتماعی) است. بررسی نتایج آماری مندرج در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که با سطح معنی‌داری، معادله رگرسیون دارای ۳ مرحله است. که در هر مرحله یک متغیر به معادله وارد شده است و یکی از متغیرها (آموزش و اطلاع‌رسانی) از معادله خارج شده است. نتایج جدول نشان می‌دهند مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی بیشترین ارتباط را با متغیر توسعه اجتماعی داشته است. نتایج نشان می‌دهد که هر چه میزان مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی بالاتر می‌رود، توسعه اجتماعی مردم بیشتر می‌شود. هر کدام از این متغیرها به ترتیب میزان مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی، (۰/۳۸۶)، دانش، آگاهی و مهارت (۰/۰۳۱) و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها (۰/۰۱۶) درصد از تغییرات متغیر وابسته (توسعه اجتماعی) را تبیین می‌کنند. به‌طور کلی این متغیرها روی هم‌رفته توانسته‌اند ۰/۴۳۳ درصد از تغییرات درونی متغیر توسعه اجتماعی را بین مشارکت‌کنندگان تبیین کنند ($R^2=0/433$).

جدول ۵. عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی توسعه اجتماعی

مرحله	نام متغیرها	ضریب همبستگی R	ضریب تبیین (R^2)	ضریب تصحیح شده	ضریب B	ضریب Beta	آزمون T	Sig.T
اول	مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی	۰/۶۲۱	۰/۳۸۶	۰/۳۸۲	۰/۴۰۰	۰/۴۰۲	۴/۶۳۶	۰/۰۰۰
دوم	دانش، آگاهی و مهارت	۰/۶۴۶	۰/۴۱۷	۰/۴۱۰	۰/۱۲۷	۰/۱۷۷	۲/۶۸۱	۰/۰۰۸
سوم	سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها	۰/۶۵۸	۰/۴۳۳	۰/۴۲۳	۰/۲۱۲	۰/۱۸۷	۲/۲۰۲	۰/۰۲۹

نتیجه گیری

در مطالعه حاضر که به شناخت و جایگاه توانمندسازی در توسعه اجتماعی روستایی در ناحیه دهستان درام شهرستان طارم می‌پردازد و براساس رابطه دو متغیر توانمندسازی مردم و توسعه اجتماعی روستایی و مؤلفه‌های این شاخص‌ها نتایج به شرح ذیل به دست آمده است. بر اساس نتایج حاصل از ضریب همبستگی کندال تائوبی و رگرسیون چند متغیره که در بالا توضیح داده شد، نشان‌دهنده این است که رابطه معنی‌داری بین ابعاد توانمندسازی روستایی پاسخ‌گویان و توسعه اجتماعی روستایی وجود دارد. هرچقدر توانمندسازی ساکنان روستایی در توسعه روستایی بیشتر باشد توسعه اجتماعی روستایی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. یعنی توانمندسازی مردم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی تأثیرگذار است. براساس یافته‌های تحقیق می‌توان به این نتیجه رسید که با افزایش توانمندسازی وضعیت توسعه اجتماعی روستا نیز افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین بر اساس آزمون رگرسیون چند متغیره، معادله رگرسیون دارای سه مرحله است که شاخص آموزش و اطلاع‌رسانی در آن حذف شده و نتایج نشان داد مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی بیشترین ارتباط را با متغیر توسعه اجتماعی داشته است. بنابراین هر چه میزان مشارکت و همکاری اقتصادی، اجتماعی بالاتر می‌رود، توسعه اجتماعی مردم بیشتر می‌شود.

از این‌رو، تسهیل‌کننده‌های توانمندسازی روستاییان (همچون: آموزش و آگاهی بخشی، اعتماد و عضویت در تشکل‌ها، دانش و مهارت، همکاری‌های اجتماعی، اقتصادی و امور زیربنایی) در روستاهای ناحیه مورد مطالعه با ارتقاء سطح توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی همراه بوده، در نتیجه توجه بیش از پیش به توانمندسازی از سوی برنامه‌ریزان و مدیران توسعه روستایی ضرورت دارد. بدین ترتیب، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج حاصل از مطالعاتی چون: مطیعی و همکاران، ۱۳۹۱، رودافشان، ۱۳۸۴، یدالهی و دیگران، ۱۳۸۹، ۲۰۰۷، Karl و افتخاری، ۱۳۸۸ مطابقت دارد. در نتیجه، توجه به جایگاه توانمندسازی و ظرفیت‌سازی، باعث ارتقاء پتانسیل‌های موجود در سکونتگاه‌های روستایی، برای رسیدن به توسعه و بهبود عملکرد اجتماعی - اقتصادی روستاییان می‌شود. در واقع، ارتقاء و بهبود شاخص‌های مؤلفه توانمندسازی در روستاهای مورد مطالعه برای دستیابی به توسعه اجتماعی آن‌ها به‌مثابه یکی از راهبردهای اثرگذار، ضرورت دارد که مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار گیرد و زمینه و زیرساخت‌های لازم برای تحقق آن فراهم شود. برای تحقق این هدف، راه‌کارها و پیشنهادهایی برای افزایش توانمندسازی مردم و توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. ارائه آموزش‌های مختلف برای بالا بردن دانش، آگاهی، و مهارت روستاییان.
۲. ایجاد و تقویت رویکرد مشارکتی و تحرک اجتماعی، تشکیل و تقویت نهادهای غیردولتی، تشکل‌های مردمی و محلی برای مشارکت بیشتر در توسعه محلی.
۳. تفویض اختیار و تقویت مدیریت‌های محلی (شوراهای اسلامی).
۴. ارتقای مهارت‌های فنی روستاییان و غیره نام برد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و دربان‌آستانه، غلامرضا. (۱۳۸۲). *روش‌های کاربردی تحقیق*، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان.
- پرسا، تعالی، احمدپور، امیر و چرمچیان، مهدی. (۱۳۹۴). نقش توانمندسازی در توسعه روستایی. *فصلنامه مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، ۱۳ (۵۰)، ۲۶-۲۲.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: نشر قومس.

- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، پورطاهری، مهدی، فرج‌زاده، منوچهر و حیدری ساربان، وکیل. (۱۳۸۸). نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴۱ (۶۹)، ۸۷-۱۰۳.
- ریگین، چارلز. (۱۳۸۸). *روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*. ترجمه محمد فاضلی، تهران: انتشارات آگه.
- سرای، حسین. (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*. چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- شکوری، علی، رفعت‌جاه، مریم و جعفری، معصومه. (۱۳۸۶). مولفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آن‌ها، *پژوهش زنان*، ۵ (۱)، ۱-۲۶.
- صالحی، مریم. (۱۳۹۱). مشارکت‌های مردمی و نقش آن در طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی در راستای توسعه پایدار روستایی مورد: دهستان چندار (بخش چندار، شهرستان ساوجبلاغ). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ضیائی، محمدصادق، نرگسیان، عباس و آبیای اصفهانی، سعید. (۱۳۸۷). نقش رهبری معنوی در توانمندسازی کارکنان دانشگاه تهران، *نشریه مدیریت دولتی*، ۱ (۱)، ۶۷-۸۶.
- فاضلی، محمد، فتاحی، سجاد و زنگان رفیعی، سیده نسترن. (۱۳۹۲). توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۲ (۱)، ۱۵۹-۱۸۲.
- فیروزآبادی، سید احمد، حسینی، سیدرسول و قاسمی، روح‌اله. (۱۳۸۹). مطالعه‌ی شاخص‌ها و رتبه‌ی توسعه‌ای اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی اجتماعی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۳ (۳۷)، ۵۷-۹۴.
- کلاتتری، خلیل. (۱۳۸۵). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS*، چاپ دوم، تهران: نشر شریف.
- کمبایی، سیدعلی. (۱۳۹۰). شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۱ (۴۰)، ۶۳-۹۲.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، قدیری معصوم، مجتبی، دادورخانی، فضیله، یداللهی فارسی، جهانگیر و ترکاشوند، زهرا. (۱۳۹۱). تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی: بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۸۰، ۱۱۹-۱۳۸.
- میرزایی، حسین. (۱۳۸۹). توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه‌ای موثر بر آن. *پژوهش‌های روستایی*، ۱ (۳)، ۹۹-۱۲۹.

- Rivera, W. M., & Coming, S. L. (1990). Empowering women through agricultural extension: A global perspective. *Journal of Extension*, 28 (4).
- Fernandez, S., & Moldogaziev, T. (2015). Employee Empowerment and Job Satisfaction in the U.S. Federal Bureaucracy: A Self-Determination Theory 16.Perspective, the American Review of Public Administration July 1, 45 (4), 375-401.
- Sharma, P. N., & Kirkman, B.L. (2015). Leveraging leaders: A literature review and future lines of inquiry for empowering leadership research, *Group Organization Management*, 40 (2), 193-237.
- Amundsen, S., Martinsen, Øyvind L. (2015). Linking Empowering Leadership to (Amundsen & Martinsen, 2015: 305-306)
- Job Satisfaction, Work Effort, and Creativity (2015). The Role of Self-Leadership and Psychological Empowerment, *Journal of Leadership and Organizational Studies* August 1, 2015 22:3 304-323
- Karl, M. et al. (2007). Higher Agricultural Education and Opportunity in Rural Development for Women, The Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO), Rome, Italy, 7-11.
- Kothari, CR. (2009). *Research Methodology, Method and Techniques (Second Revised Edition)*. New Age International publishers. New Delhi, 1-401.
- United Nations (2002). Financing Global Social Development Symposium, Feb. 7.
- United Nations, New York. World Bank (2002). Strategic Directions for the World Bank in Social Development. Brainstorming Workshop Notes. October, 15-16, Washington, D.C
- World Bank, Operations Evaluation Department (2005) Putting Social Development to Work for the poor: An OED Review of World Bank Activities. Washington, D.C.